

## الازهر

### شیعه را معرفی میکند

مقاله‌ای که از نظر خوانندگان گرامی ذیلاً می‌گذرد دنباله ترجمه مقاله محققانه است که بقلم استاد شیخ محمد محمدالمدنی عضو دارالتقریب و استاد دانشگاه الازهر مصر و سردبیر مجله «رسالة الاسلام» تحت عنوان «درجه البعث» در شماره ۴ سال یازدهم درج شده است. این مقاله در حقیقت جوابگوی تمام گفتگوهایی است که بدنبال فتوای تاریخی «شیخ محمود شلتوت» بر اه افتاده است.

شیعه‌ای که فقهاء آنها در دانشگاه الازهر تدریس میشود، دو دسته‌اند:

۱- شیعه دوازده امامی که امامیه نیز نامیده میشوند و باین جهت امامیه نامیده میشوند که امامت علی علیه السلام را به نص (از پیغمبر صلی الله علیه و آله نه با انتخاب مردم) میدانند و بآنها دوازده امامی میگویند بعلمت اینکه دوازده امام معتقدند که اول آنان علی بن ابی طالب علیه السلام و آخر آنها محمد بن حسن عسکری علیهما السلام ملقب به «حجت» است.

این دسته از شیعه که در کشورهای عربی و اسلامی مانند ایران، عراق، سوریه، لبنان، پاکستان و هند ساکن میباشند و در غیر اینها نیز سکونت دارند بهمه اصول اسلام ایمان دارند و هیچ فردی از مسلمانان نمیتواند بآنها نسبت کفر بدهد و اختلافی که میان آنها و اهل تسنن دیده میشود، در زمینه اصول عقاید نیست، زیرا هر دو فرقه (شیعه و سنی) در اصول اسلام مشترکند.

فقه این دسته از شیعه از امامان خودشان یعنی از اهل بیت نبوت گرفته شده و بنام «فقه جعفری» اشتهار یافته است و این نامگذاری بمناسبت نسبتی است که بجعفر صادق فرزند محمد باقر داده شده است.

این دسته از شیعه کسانی را که در باره علی غلومی نمایند، لعن میکنند و از آنها بیزاری میجویند و بکفر و نجاست آنها معتقدند.

این دسته از شیعه دارای تألیفات مهمی در زمینه اصول عقاید، فقه، اصول فقه، اسرار شریعت اخلاق، ادبیات عربی و غیر آن میباشند و نوابغ بسیاری در قسمت‌های مختلف علوم از میان آنان برخاسته، فقهاء، ادباء، اهل حدیث و روایت، اصولیین، متکلمین از آنان پدید آمده اند و در طول اعصار و قرون گذشته، در مجموع علوم اسلام دارای آثار گرانبهائی و درخشان میباشند.

۲- شیعه زیدیه که غالباً در کشورهای یمن سکونت دارند مذهب آنها بزید بن علی زین العابدین نسبت داده میشود، و مذهب آنها با اهل سنت نزدیکتر است، در موقعیت آنها نیز جای گفتگو نیست.

در این صورت این گفتار که «شیعه بطور کلی بر سالت یا الوهیت علی معتقدند یا در شأن علی غلومی نمایند» گفتاری است بی اساس و نسبتی است ناروا و باید میان شیعه صحیح العقیده و شیعه منحرف فرق گذاشت، همانطور که باید هنگام نقل مطالب از شیعه متوجه بود که نظریه فرقه کمره شیعه با شیعه صحیح العقیده اشتباه نشود.

\* \* \*

بعضی دیگر اینطور ایراد میکنند و اگر دانشگاه الازهر فقه شیعه را به منظور انتقاد

و ایراد تدریس میکنند این موجب تهییج عداوت و پیدایش فتنه خواهد شد و اگر بمنظور اینکه صحیح است و از خطا و لغزش خالی است تدریس می نمایند این باعث میگردند که دانش آموزان بجانب آن تشویق شده فریفته آن گردند ، و این نظریه جواز تقلید از آن مذهب را تأیید مینماید .

در جواب اینها میگوئیم : باید میان تدریس فقه امامیه و زیدیه بطور استقلال و تدریس آنها ضمن فقه مقارن (۱) فرق گذاشت .

هیچگاه دانشگاه «الازهر» مقرر نمیدارد که فقه امامیه و زیدیه بصورت مستقل تدریس شود تا تعداد مذاهبی که در «دانشکده» شریعت ، بطور استقلال تدریس میگردد بیش از مذهب برسد یعنی علاوه بر مذاهب چهارگانه معروف (حنفی، مالکی، شافعی، حنبلی) فقه امامیه و زیدیه نیز بر آن افزوده شود ؛ چیزی که اکنون مقرر داشته است و از نخستین روز مورد توجه و بحث بوده است ؛ تدریس فقه امامیه و زیدیه در «دائرة» سنچس و موازنه «فقه مقارن» است .

تدریس فقه مقارن بر این پایه محکم استوار است که بحث کنندگان در مباحث فقهی باید با نظر پاک و بیطرفی به همه نظریه های فقهی توجه کنند و بدون اعمال تعصب مذهبی بی بحث و تحقیق بپردازند .

اگر تدریس و تحقیق فقه مقارن باین صورت انجام نگیرد اسمی بی مسمی خواهد بود و نتیجه مطلوب بدست نخواهد آمد روی همین اصل ایراد فوق بر ما روشن نیست و در جواب میگوئیم : باید بحث و تدریس بر پایه انصاف و عدالت قرار گیرد و با ذهن خالی مورد توجه واقع شود و الا از طریق تحقیق علمی منحرف خواهد گشت بدیهی است شالوده درس و تحقیق بر اساس دلیل و برهان قرار گرفته ، نه تعصب و طرفداری از نظر معینی ، و هیچ کس معتقد نیست که هر روش فقهی بطور کلی صحیح یا بطور کلی باطل است ؛ بلکه هر مجتهد باید بطور آزاد بی بحث و تحقیق بپردازد و هر نظری که بر پایه دلیل و برهان محکم استوار است انتخاب کند .

(۱) فقه مقارن یعنی مقایسه فتنای مذاهب مختلفه و انتخاب فتوایی که دلیل آن محکمتر و قویتر است

اینجا لازمست که این نکته را نیز خاطر نشان سازیم که : دانشگاه الازهر تدریس فقه امامیه و زیدیه را ضمن تدریس فقه مقارن (نه بطور استقلال) مقرر داشته است نه از این جهت بوده است که با تدریس آنها بصورت مستقل مخالفت است ؛ بلکه از این نظر است که تدریس جامع و اصيل در این دانشگاه در سایه فقه مقارن صورت میگیرد و فعلا لازم نمیداند که تدریس مذهبی را بر مذاهب چهارگانه بیفزاید ؛ تا مانند آنها بطور استقلال تدریس شود ، و شاید در آینده همه مباحث فقهی از استقلال بیرون رود و مجموع دروسهای فقه در «دانشکده» شریعت ، و موجهات تخصص در آنها ، در ضمن تدریسهای مقارن انجام بگیرد .

میگویند : چرا بفقہ مقارن این اندازه اهمیت میدهید و تدریس آنرا تدریس جامع مینامید و در راه آن متحمل زحماتی میگردید که پیشینیان شما متحمل آن نشده اند ؟

در جواب این اعتراض میگوئیم : فقه حقیقی همان فقه مقارن است ؛ دانشمندان فقهی باید متخصص در این رشته باشد ، دانشمندی که فقط فروع فقهی را حفظ کرده و در این رشته مهارت ندارد فقیه نیست .

چیزی که ما مقرر داشته ایم ، چیز تازه ای نیست بلکه کتابهایی که مورد اعتماد و توجه شماست این موضوع را تثبیت می نماید ، دانشمندان در تعریف فقه میگویند : «فقه بدست آوردن احکام شرعی است از روی دلایل تفسیلی» و میگویند : «کسی که طبق این اسلوب و روش دارای قوه پی بردن با احکام الهی نباشد فقیه نیست گرچه جمیع فروع فقهی را از برداشته باشد و کسی که دارای چنین قوه ای و لو در بعض مسائل باشد ، فقیه است» «چهل مسئله از مالک» پرسیدند جواب چهار مسئله را گفت و در جواب سی و شش مسئله گفت : فعلا نمیدانم . مستحضر نبودن جواب سی و شش مسئله باعث نگردید که ویرا فقیه بنامند ، زیرا قوه مذکور را دارا بود .

این روش در فقه (فقه مقارن و موازنه) در میان دانشمندان هر عصر معمول بوده و کتابهای مذاهب در سایه همین روش بوجود آمده صفحه ای از صفحات کتابهای

حدیث و تفسیر و اصول از اعمال این طریقه خالی نیست، چه بسا دانشمند مالکی که گفتار شافعی را تر جیح داده و حنفی که گفته غیر ابوحنیفه را پذیرفته، اصحاب ابوحنیفه و شاگردانش و همچنین علمای حنفی مذهب در بسیاری از اوقات نظریه غیر ابوحنیفه را قبول میکنند، زیرا مدرکی که مورد استناد ابوحنیفه بوده در نظر آنها در آن مورد ضعیف است، یا بدلیلی بی برده اند که ابوحنیفه بی برده است، و همچنین است روش همه اصحاب پیشوایان فقه و اتباع مذاهب چهارگانه اهل سنت.

شکی نیست که این روش بروش صحیحی است هم از جهت علم فقه و هم از نظر اسلام، اما از نظر علم فقه باین جهت است که فقیه با انصاف هدفی جز بحث و جستجوی حقیقت ندارد و نمیتواند در مسأله ای که بحث می کند از نظر به مجتهد دیگر صرف نظر کند و بدلیل وی توجه ننماید زیرا ممکن است آن دلیل، محکم و خالی از اشکال باشد و تا هنگامی که نص قطعی از کتاب خدا و سنت در بین نباشد تا گزیر از آن دلیل باید پیروی کند.

اگر دانشمند فقهی نظریه و دلیل مجتهد دیگر را نماندیده بگیرد مشمول آیه است و تو بیخ این آیه میگردی الا انهم یشون صدورهم لیستخفوا منه. (آیه ۵۰ سوره هود) یعنی: آگاه باشید که آنان (مناقضان و کافران) روی دلها را میگردانند تا خود را از کلام خدا پنهان دارند تردیدی نیست که در این صورت آن رویه غیر صحیح و در نظر دانشمندان معتبر نیست اما صحت این روش از نظر اسلام بروی این اصل است که همه مسلمانان یکک امت میباشد و هر فرقه ای در راه حق شناسی و عمل بآن برادر و پشتیبان فرقه دیگر میباشد و این اصل در صورتی محفوظ می ماند که مجموع مسلمانان که اهل یکدین و صاحبان اصول مشترک میباشد همه در نظریه خود استفاده از نظر دیگران آزاد باشند، و ما قبلا تذکر دادیم که در اصول اسلام میان جامعه تسنن و امامیه و زیدیه تفاوتی نیست.

مفاخر کتب اسلام

قرن هشتم هجری

علی روانی

سدید الدین حمصی

یکی از دانشمندان بزرگ و فقهایی نامی این قرن، سدید الدین محمود بن علی بن حسن حمصی است که از محققین فقه و اعظم متکلمین شیعه بشمار میرود. چنانکه خواهیم دید وی فریب صدسال درجهان زیسته و آثار ذیقیمتی از خود بیادگار گذاشته است. حمصی در نیمه عمر خویش یعنی در پنجاه سالگی شروع به تحصیل نمود و در آن سن و سال با پشت کار عجیب و رنج بسیار بفرآ گرفتن علوم متداول عصر پرداخت و چیزی نگذشت که آواز علم و فضل و نبوغ و تبحرش در علوم فقه و اصول و کلام در همه جا طنین افکند.

شخصیت علمی وی

دانشمند مشهور شیخ منتجب الدین رازی که از شاگردان حمصی است در کتاب «فهرست» خود مینویسد «وی در میان اصولیین علامه زمانه و عالمی پارسا و موثق بود آنکاه تألیفات او را شمرده و میگوید: چند سالی در مجلس درسش حاضر گشتم و بیشتر این کتابها را موقعیکه نزد وی میخواندند، شنیدم.»

فقیه بزرگ صاحب معالم در آخر مبحث «اجماع» از کتاب «درایة الحدیث» پدرش شهید ثانی طاب ثراه نقل میکند که وی گفته است: اکثر فقهایی که بعد از شیخ طوسی (ره) آمده اند نظر با اعتقاد میرم و حسن ظنی که بشیخ داشته اند، در مقام